

نظری به

مذاهب ایران باستان

در اعصار سابقه فلات ایران مسکن قبائل مختلفی بوده که در مذهب نیز اختلاف داشتند. پارسها با قبائل ساکن شرق ایران در معتقدات تفاوت فاحشی داشتند چنانکه کیش این دو با سیت‌ها بکلی مابین بوده است. امروز فقط درباره آئین مزدیسنا که بتدریج در قسمت اعظم ایران قدیم رواج یافت، اطلاع کافی در دست است. مجموعه تعالیم آئین مزدائی در کتاب اوستا ثبت است^۱ این کتاب حاوی قسمت مهمی از دین مزدائی بضمیمه اصلاحات زردشت پیغمبر باستانی ایران است که درباره وی مشروحاً بحث خواهیم کرد.

مزدائیسیم شکل ایرانی مذهب مشترک (هندواروپائی) است که در کتابهای ودا و اوستا منعکس می‌باشد. از این رو میتوان حدس زد که آئین مزدائی میراث دوران زندگی مشترک هند و ایران بوده که کم‌کم بمرور زمان و اقتضای محل در هر جا رنگ خاصی بخود گرفته.

در آئین قدیم مزدائی رکن اول اعتقاد بخدای بزرگ (آهور مزدا)^۲ یعنی خداوند

۱- آئین مزدیسنی نامی است که زردشتیان بدین خود داده‌اند در آئینه آئین مزدیسنی ص ۲۲ مینویسد: نام کیش ما مزدیسنی است بجم خدای دانای بی‌همتا پرستی، و آن پاك آئین را زردشت پیغمبر آورده. دکتر معین در کتاب مزدیسنی و ادب پارسی ص ۷ مینویسد: در اوستا مزدیسنا بارها آمده است. در بسیاری از موارد با صفت زردشتی و بمعنی دین زردشت استعمال شده. نیز رجوع کنید به کتاب فروغ مزدیسنی ص ۶.

۲- آهورا یعنی روح روشن و ظاهر و مزدا صفت وی و بمعنای حکمت و خرد است (نمقاله در تاریخ ادیان تألیف آقای حکمت).

خرداست که وی بقدرت کاماۀ خود آسمانها و جهان را آفرید دررتبۀ بعد و تحت سیطرۀ اهورمزدا خدایان دیگری بنام یشتها بر مظاهر طبیعت فرمانروائی می‌کنند که هر یک کاری مخصوص چون فرماندهی باد و آب و آتش و خورشید بعهده دارند. از اینرو هر کدام بنوع خاصی ستایش شده و با سرود مخصوص مورد نیایش است.

بوسیاه قربانی حیوانات وهمچنین ریختن شراب بر روی خاک و شیرۀ گیاه معطر و مقدس (هوما) ^۳ بوی تقرب می‌جویند.

درمیان این خدایان (میترا) یا (مهر) حائز اهمیت بیشتری است که حتی مهرپرستی خود آئین خاصی معرفی شده ^۴.

میترا خدای چراگاهها و حافظ و حامی درستکاران و عالم به همه چیز است. وی همان خورشید روشنی بخش است که هزار گوش و هزاران چشم دارد.

میترا نسبت به ستایش کنندگان مهربان بود و از خیر و برکت خود بارانهای بموقع زراعتها و گله‌های آنان را بر خوردار میسازد. ولی بتوسط دو فرشته (راشنو) و (سراوشا) شیرین و سرکشان را مجازات مینماید. خدایان بزرگ دیگر از این قرارند: ۱- (ورسراگنا) خدای جنگ و پیروزی که مظهر وی جانوران نیرومندند. ۲- (هائوما) خدای مسکرات ۳- (تی شتر) یا اختر خیر و برکت و باران ۴- (اناهیتا) خدای پاکیزگی که بر رودخانه‌ها فرمان میراند. وی دوشیزۀ زیبا و مالم مهر و نیک بخشی است. از این پس نوبت فروتنی‌ها میرسد. اینان از تقییرات حاصلۀ روان مردگان بر اثر تناسخ بوجود آمده و در زمرۀ خدایان بشمار می‌روند. در مقابل صف دامنهدار این خدایان که در رأس آنان اهورمزدا قرار گرفته صف تاریکی بفرماندهی

۳- این گیاه در دامنه‌های البرز بطور طبیعی میرسته. چنانکه معادل آن یعنی گیاه سوما در دامنه‌های هیمالیا می‌روئیده. هندیان مطبوخ این گیاه را باشیر یا آب ممزوج نموده در عبادات و تشریفات مذهبی مینوشیدند (نہ گفتار ص ۶۰).

۴- ص ۸۷ تاریخ تمدن ایران (مقاله پ. ژ. دومیناس ا. ب).

۵- مهرپرستی وجوه اشتراك ناچیزی با آئین مزدائی واقعی دارد (تاریخ تمدن ایران باستان ص ۱۵۰).

مقاله پ ژ دمناسکو).

اهرامانیو) یا (اهریمن) وجود دارد. وی منشأ تمام پلیدی‌ها و تبه‌کاریها و سیاهی‌است.

خدایانی بنام (آیشما) دیو وحشت و (آستو)^۶ متلاشی‌کنندهٔ نقش‌ها تحت فرمان ویند در آئین مزدائی بسیاری از معتقدات مذهب بودا موجود است. قربانی حیوانات^۷ و اهمیت روحانیون جهت انجام تشریفات مذهبی و لزوم نوازندگی سرودها از مشترکات این دو مذهب است ولی در آئین مزدائی بعکس بودائی نه تنها سوختن مردگان روانیست بلکه حتی قربانی‌ها نیز باید در آتش افکنده نشود. زیرا زمین و آتش مقدس بوده و نبایست آنها را بچیزی ملوث ساخت. لذا در آئین مزدائی و شکل موجود آن یعنی زردشتی مردگان در هوای آزاد دشتها گذارده میشود تا بتدریج طعمهٔ پرندگان شده و نابود گردند.^۸

(مهر) میتراپرستی

زردشت هنگام اصلاح مذهب مقام (میترا)^۹ مهر را از صف خدایان پائین آورده و آنرا جزو (یزته‌ها) یزدانها یعنی مخلوقات آهورامزدا قرارداد^{۱۰} ولی پس از سقوط امپراطوری داریوش بر حیثیت آن در میان مجوسان آسیای صغیر افزوده شد. از این رو در نیمهٔ قرن یکم قبل از میلاد آئین مهرپرستی در ایتالیا نفوذ

۶- (استویداتو) تاریخ تمدن ایران ص ۸۸.

۷- در قسمت متأخر اوستا و نیز در تواریخ دوران بعد از زردشت می‌بینیم که چندین بار از قربانی حیوانات در مراسم مذهبی نام برده شده است از جمله این موارد می‌توانیم به یسنا در قسمت متأخر اوستا و به اقوال هرودوت از زمان هخامنشیان و کتیبه شاپور اول ساسانی که به قربانی نمودن گوسفندان اشاره نموده و نیز بسنت جاری بین زردشتیان در دوران کنونی اشاره نمائیم (رک کتاب دیانت زردشتی مقاله دکتر ج. پ. آسموسن. ص ۱۱۲).

۸- شکل برجی که در بمبئی برای مردگان تعبیه شده و لاشخورها بر فراز آن در پروازند در کتاب

دیانت زردشتی از انتشارات بنیاد فرهنگ ضمن مقاله دکتر آسموسن ص ۱۲۰ ملاحظه فرمائید.

۹- میترا درسانسکریت و میثرا در اوستا.

۱۰- تاریخ تمدن ایران (مقاله هانری شارل پویش).

نمود^{۱۱}. از خصوصیات آئین مهرپرستی خضوع پیروان این کیش برای اهریمن و ساختن محراب‌ها و قربانی نمودن برای وی است که در آئین مزدائی خالص نیست. پیروان این آئین خلقت جهان را بطور خاصی به میترا نسبت می‌دهند که خلاصه آن از اینقرار است: میترا از صخره‌ای بوجود آمد و مورد پرستش شبانان قرار گرفت، با خورشید هم‌دست شد. گاو نر وحشی بدست آورد و ویرا بزنجیر کشیده در غاری حبس کرد ولی گاو فرار نمود. میترا بوسیله کلاغی که پیام آور خورشید بود فرمان یافت تا گاورا بکشد. وی بخلاف میل خود گاورا با یک‌ضربه کارد ذبح کرد^{۱۲}. سپس وی (مهر) آفریدگار موجودات خیر و مدافع آنها معرفی شد. ولی زمانی می‌رسد که وی بظیافت آسمانی عروج می‌کند و بحضور اهورامزدا بار می‌یابد.

ولی از این پس هم ب فکر یاری ساکنین زمین است. میترا یکبار دیگر بزمین بازگشته بمردگان نیروی قیام بخشیده نیکان را از بدان جدا می‌سازد. آنگاه گاو بزرگی قربانی کرده روغن آنرا باشیره مقدس (هوم) درهم آمیخته و بدست عادلان خواهد داد. هر کس از این مشروب بیاشامد شایسته زندگی جاوید خواهد بود. و در این حال اهریمن و شریران و دیوان در شعله آتش معدوم می‌گردند.

آداب مهرپرستان

آداب و رسوم آئین مهرپرستی به راهنمایی روحانیان نوعاً در غارهای طبیعی یا مصنوعی که برگنبد آن تصویر آسمان نقش شده بود انجام می‌گرفت. درون غارها متکاهائی قرارداد داشت که متدینین بر آنها زانو می‌زدند. در جلوه‌گاه معبد ظرف آبی برای تطهیر نهاده و در انتهای آن تابلوئی که تصویر میترا را در حال ذبح

۱۱- مهرپرستی از ارمنستان تا اسپانیا و از لیبی تا اسکاتلند پیروانی داشته. شاهزادگان ارمنستان

به افتخار میترا خود را میترا دات یا مهر داد می‌خواندند (نقل از مقاله شارل پوئش در تاریخ

تمدن ایران).

۱۲- صحنه‌های این افسانه در موزه لوور موجود است.

گاو نشان میداد حجاری شده. برای نیل بمدارج عالی‌ه‌دین هفت مرتبه وجود داشت که هر کدام یکی از ستارگان منتسب بوده. رسیدن سالک به ریک از این مراتب مستلزم آزمایش‌های شدید و پیروزی در امتحان بوده است. در مهرپرستی شجاعت، پاکیزگی پاکدامنی، وفاداری بعهد، برکناری از آلودگی‌ها بخصوص دروغ و تزویر از مواد اساسی دین شمرده میشد.

گسترش مهرپرستی

مهرپرستی در حدود سال ۶۷ ق م از راه آسیای صغیر بمغرب زمین راه یافت و در سال ۶۸ میلادی در اروپای مرکزی نیز پیروانی پیدا کرد و تا عهد قسطنطین روفزونی میرفت. ولی از آن پس بواسطه انقلاباتی که شرح آن از موضوع بحث ما خارج است رو بنابودی گذارد^{۱۳} و اکنون جز آثار معدودی از بقایای ابنیه پیروان این دین حتی اسمی هم از آنان بجای نیست.

زردشت^{۱۴}

چنانکه اشاره کردیم مزدپرستی چه طبیعی و چه با رنگ خاص مهرپرستی در ایران باستان رائج بوده و زردشت بتهدیب و اصلاح آن همت گماشت. نسبت به زردشت و زمان وی اختلافات شدیدی در بین محققین موجود است. دامنه این اختلافات بقدری وسعت دارد که حتی پاره‌ای منکر وجود زردشت شده‌اند^{۱۵} ولی اکثر محققین شخصیت زردشت را مسلم دانسته منتهی در محل تولد و زمان وی اختلاف نموده‌اند.

۱۳- به ص ۴۱۲ ج اول کتاب یشتها مقاله آقای پورداود مراجعه کنید.

۱۴- زردشت به‌واژه‌های مختلف ضبط شده به کتاب یکتا پرستی ص ۴۱ و برهان قاطع ذیل لغت زردشت

پاورقی دکتر معین و فرهنگ آندراج ذیل همین لغت و نیز بمقدمه گاتها ص ۲۲ مراجعه فرمائید.

۱۵- (دارمستر) مستشرق معروف فرانسوی.

وجود زردشت از نظر روایات اسلامی نیز تأیید شده^{۱۶} و حتی در اسلام هم با آنان «زردشتیان» معامله اهل کتاب میشود.

(گانها) یا (گانها) تنها مأخذ اساسی راجع بزندگی زردشت است. زیرا گانها اگر عین بیانات زردشت نباشد لااقل کلمات پیروانِ بلافصل اوست.

زمان زردشت

زمان زردشت را از قرن ششم قبل از میلاد تا شش هزار سال قبل از مسیح گفته اند^{۱۷}.

هرتسفلد ولادت ویرا در ۵۷۰ ق م میداند^{۱۸}.

مرحوم تقی زاده مینویسد: ظن قوی می رود که زردشت ۲۵۸ سال قبل از استیلای اسکندر بر ایران و قتل دارا (۳۳۰-۳۳۱ ق م) بوده یا ۲۷۲ سال قبل از وفات اسکندر (۳۲۳ ق م) ولدا موضوع قابل بحث عبارت از آن خواهد بود که این فاصله چنانکه گفته شد تا تولد زردشت است یا بعثت او یا ایمان گشتاسب و بنا بر این باید تولد زردشت را در سنه ۵۸۸ قبل از مسیح یا ۶۱۸ و ۶۳۰ ق م دانست و اگر فاصله ۲۷۲ تا وفات اسکندر را حقیقی فرض کنیم اعداد فوق ۵۹۵ و ۶۲۵ و ۶۳۷ میشود^{۱۹}.

جکسون ویرا از طوایف ماد که مغ یا مجوس نام دارند شمرده. و زمان او را اواسط قرن هفتم ق م یعنی در دوره فرمانروائی مادها و پیش از نهضت و کسب قدرت هخامنشیان دانسته. و وفات وی را حدود ۵۸۳ ق م در سن ۷۷ سالگی تعیین نموده است.

۱۶- رلد سفینه البجار ذیل واژه مجوس و بحار الانوار جلد پنجم چاپ کمپانی ص ۲۷۹ (البته بعنوان

پیغمبر مجوس).

۱۷- تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد براون ترجمه علی صالح پاشا ص ۴۶.

۱۸- رلد: مزدیسنا و ادب پارسی ص ۸۸. مقاله پورداد راجع بزمان زردشت ضمن تفسیر وی بر

یسنا (ج ۱ ص ۷۵).

۱۹- مزدیسنا و ادب پارسی ص ۸۸.

وی اضافه‌می‌کند که زردشت اهل مغرب ایران (اتروپاتن یا ماد) است^{۲۰} ولی نخستین کامیابی شایان او در بلخ می‌باشد و در آنجا شاه‌ویشتاسب «گشتاسب» را بائین خود درآورد^{۲۱}.

زادگاه زردشت

کیش زردشت از ایالت بلخ قدیم بسرعت سراسر ایران را فراگرفت. و در اواخر پادشاهی هخامنشیان در فارس تسلط پیدا کرد لکن مسلم نیست در چه تاریخ این دین بفارس آمده است^{۲۲}.

روی این مبنی زادگاه زردشت در مغرب (و احتمالاً آذربایجان) ولی ترویج مذهب او در مشرق بوده^{۲۳} لکن گروهی (مانند نولدکه) مولد او را نیز در مشرق ایران میدانند^{۲۴}. بعضی نیز وی را اهل ری دانسته‌اند. چنانکه جمعی چون طبری زادگاه او را فلسطین شمرده‌اند^{۲۵}.

زردشتیان طبق تاریخ سنتی خود عهد زردشت را در ۶۳۰ ق م میدانند^{۲۶}.

۲۰- برای تشریح بیشتری به مقدمه گاتنا ترجمه پورداود ص ۲۲ رجوع کنید. این مقاله را اورنگ در کتاب یکتاپرستی ص ۵۰ نقل نموده.

۲۱- محتمل است وی پدر دارای اول «داریوش» از سلسله هخامنشی باشد. ولی کلانر (طبق نقل براون) این احتمال را مردود دانسته. پورداود در مقدمه ترجمه گاتنا ص ۳۰ بیانی دارد که در یکتاپرستی ص ۷۸ نیز نقل شده است.

۲۲- تاریخ ادبی ایران از براون ص ۴۹. مزدپرستی در ایران قدیم ص ۱۳.

۲۳- ابن قتیبه در کتاب (المعارف) می‌نویسد: زردشت بگشتاسب که در خراسان میزیست کتاب خویش را عرضه داشت (المعارف ص ۲۸۵).

۲۴- بنقل کریستن سن. رک مزدپرستی ص ۱۴.

۲۵- رک بکتاب زردشت باستانی تألیف میرزا عبدالمجید اصفهانی (نقل از پایان نامه آقای دکتر شفیع کدکنی در دوره لیسانس براهمنائی اینجانب).

۲۶- آقای حکمت در پاورقی نه گفتار ص ۶۳ تولد ویرا از گفته آنان در ۵۸۹ ق م نقل کرده‌اند. ولی آقای پورداود در مقدمه گاتنا ص ۲۸ و اورنگ در یکتاپرستی ص ۱۰۹ بنقل از زردشتیان سال ۶۶۰ ق م را نوشته‌اند. ما سال ۶۳۰ را بروایت کتاب مزدپرستی نقل کردیم.

ولی محققین که تاریخ روائی مزبور را مردود دانسته‌اند زندگی او را بعهد قدیمتری (یعنی بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ ق م) بلامیبرند^{۲۷}.

بنا به روایات مختلف پدر زردشت پورشسب «پارشاسپا» و مادرش دغدو «دوگدووا» نام داشت^{۲۸}.

روایات زردشتی برای روز میلاد وی و همچنین دوران کودکی اش خوارقی نقل میکند که بیشتر جنبه اساطیری دارد^{۲۹}.

مرگ زردشت (طبق همین روایات) بدست یکنفر تورانی بنام (برائروک) یا توربراتور^{۳۰} درسن ۷۰ سالگی اتفاق افتاده است^{۳۱} فردوسی در شاهنامه قتل زردشت را بدست ارجاسب در بلخ نوشته است.

در یشتها محل قربانیهای زردشت را (اریان و لوچه) در ساحل رود (داتیا) نام برده و نیز در ذکر مجاهدات زردشت سخن از ساحل رود (درجا) در ناحیه (ریان دیوچه) سخن رفته. بعضی این ناحیه را بر ساحل رود ارس تطبیق کرده‌اند^{۳۲}.

اوستا

کتاب زردشت موسوم به اوستا است^{۳۳} و شرح آن که در دوره ساسانیان بزبان پهلوی نوشته شده بنام زند معروف است^{۳۴}.

۲۷- مزداپرستی ص ۲۲ .

۲۸- مروج الذهب مسعودی. مزدیسنا و ادب پارسی .

۲۹- برای اطلاع با اساطیر مزبور رک بدبستان المذاهب و برهان قاطع ذیل لغت زارتشت و تاریخ

پیغمبران آقای عمادزاده اصفهانی .

۳۰- یا بقول بندهش برات رک رش (رک مقدمه گاتها ص ۲۹) .

۳۱- تاریخ تمدن ایران (مقاله دومیناس)

۳۲- رک بتحقیقات کریستن سن (ملاحظات دربارہ قدیمترین عهود زردشتی) ترجمه آقای دکتر

صفا در کتاب مزداپرستی .

۳۳- و بقول مسعودی در التنبیه والاشراف (ابستا). وی معرب این کلمه را (ابستاق) مینویسد.

۳۴- التنبیه والاشراف مسعودی ص ۸۰ .

اوستا به پنج نسک^{۳۵} «باب، کتاب، سوره» تقسیم میشود: ۱- یسناها (که شامل گاتها نیز میباشد) ۲- ویسپرد ۳- ونیداد «ویدداد» ۴- یشتها ۵- خرده اوستا.

این کتاب در اوائل امر و پیش از حمله اسکندر کتابی بزرگ بوده. و حتی بعضی آنرا در ۲۰ مجلد که هر یک حاوی صدهزار بیت بوده یاد نموده اند^{۳۶}.

درنامه تنسر^{۳۷} هیرید معروف عهد اردشیر بابکان به پادشاه طبرستان چنین آمده: (اسکندر از کتاب دین ما دوازده هزار پوست گاو بسوخت باصطخر. سه یکی از آن دردلها مانده بود. و آن نیز جمله قصص و احادیث. و شرایع و احکام ندانستند. تا آن قصص و احادیث نیز از فساد مردم روزگار و ذهاب ملک و حرص بر بدعت و طمع فخر از یاد خلائق چنان فرو شد که از صدق آن الفی نماند. پس لابد چاره نیست که رای صائب صالح را احیای دین باشد^{۳۸}.

باری چنانکه از این عبارت برمیآید اوستا کتابی بزرگ بوده است که در حوادث روزگار جز اندکی در دست نمانده و آنهم راجع بروایات قدیم و باصطلاح اساطیر اولین.

در اواخر عهد اشکانیان و زمان ساسانیان بجمع آوری آنچه از دستبرد حوادث محفوظ مانده بود کوشش شد. و قسمتهای قدیم و تازه اوستا جمع آوری و طی بیست و یک نسک مدون گردید^{۳۹}.

۳۵- نسک بفتح نون ولی در بعض فرهنگها (غیاث اللغات) بضم آمده.

۳۶- حماسه سرانی ص ۳۱ نقل از یولینوس مورخ رومی در قرن یکم میلادی.

۳۷- موضوع این کتاب، دفاع از اعمال اردشیر بابکان است که هیرید مذکور در جواب نامه گشنسب نوشته. این نامه را عبدالله بن مقفع عبری ترجمه کرده و یکی از نسخ این ترجمه در اوائل قرن هفتم بدست ابن اسفندیار مؤلف تاریخ طبرستان افتاده و او عین آنرا آورده است (مقاله آقای جمالزاده در شماره ۱۱ کاوه جدید سال اول. نامه تنسر، چاپ آقای میثوی. مقدمه گاتها ص ۵۳. حماسه سرانی ص ۴۸).

۳۸- حماسه سرانی ص ۳۱.

۳۹- التنبیه والاشراف مسعودی ص ۸۰ اسامی ۲۱ نسک اوستارا در جدول ص ۱۲۵ کتاب مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی به بینید.

اولین کسی که شروع بتجدید آن نمود بلاش اول بود که در سال ۵۱۰ به پادشاهی رسید. ولی اینکار را اردشیر از سر گرفت و بپایان آورد و احتمالاً تا زمان شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م و طبق نوشته مقدمه گاتها: ۳۷۰ م) قسمتهائی بمرور زمان اضافه شد.^{۴۰}

بعیدنست که تدوین ثانوی اوستا در ۲۱ نسک، برطبق تدوین قبلی (اوستای زمان هخامنشیان) صورت گرفته باشد.

ولی این اوستا نیز پس از حمله مسالین بایران در دست فراموشی افتاد و حتی قسمت مهمی از آن از بین رفت. ممکن است از بین رفتن اوستا را بمسالین نسبت داد خاصه با افسانه کتاب سوزی مسلمانان در مصر.^{۴۱}

کریستن سن درباره عال نابودی بخشهای اوستا چنین مینویسد.^{۴۲}

گاهی شخص ب فکر می افتد که چرا قسمت بیشتر اوستای ساسانی درازمنه اسلامی نابود شده است؟ میدانیم که مسلمانان زردشتیان را اهل کتاب میشمرند. بنابراین نابود شدن کتب مقدس آن طائفه را نمیتوان به تعصب اسلامیان منسوب کرد و چنانکه دیدیم بیشتر قسمتهای اوستای ساسانی در قرن نهم میلادی (سوم هجری) هنوز موجود بوده و یا لااقل ترجمه پهلوی آنها بانضمام تفسیر معروف به زند را در دست داشته اند. مسلماً صعوبت زندگانی مادی که در آن تاریخ گریبانگیر زردشتیان شده بود مجال نمیداد که نسلاً بعدنسل این مجموعه بزرگ مقدس را رونویس کنند و از اینجا پی میبریم که چرا نسکهای حقوقی و نظائر آن در طاق نسیان مانده است. زیرا که در آن زمان دولت زردشتی وجود نداشت و نسکهای حقوقی بی فایده و خالی از اهمیت و اعتبار مینمود. اما چرا نسکهای را که شامل علم مبداء و معاد و تکوین و سایر علوم اساسی بود حفظ نکردند قرآنی در دست

۴۰- تاریخ ادبیات ایران براون ص ۱۴۷ .

۴۱- رگ به رساله پروفیسور شبلی نعمانی در این باره که بنام (کتابخانه اسکندریه . ظ) ترجمه

شده .

۴۲- ایران در زمان ساسانیان ص ۱۶۳ .

داریم که از روی آن میتوان گفت شریعت زردشتی در قرن نخستین تسلط عرب تاحدی اصلاح شده و تغییر پیدا کرده است و زردشتیان خود مایل بوده‌اند که بعضی از افسانه‌ها و اساطیر عامی و بعضی از اعتقاداتی را که در فصول اوستا ثبت شده بود حذف کنند).

توضیحاتی درباره اوستا :

اوستای هخامنشی بخط میخی (خط کتیبه‌های جنوب غربی ایران) نوشته شده است .

این خط از چپ بر راست نوشته میشود. بعداً که ساسانیان اوستا را از نو جمع‌آوری نمودند بخط پهلوی که از راست بچپ شروع میشود نوشتند . در کتاب اخیر بجای قسمتی از لفات ، معادل آنرا ازلفت آرامی نوشته ولی پهلوی تلفظ مینمودند . این گونه کلمات را هزوارش نامند .

اوستای عهد هخامنشی دارای ۸۱۵ فصل در ۲۱ بخش «نسک» بوده که ساسانیان آنچه از آنرا بدست آوردند فقط ۳۴۸ فصل بود که نیز در ۲۱ نسک ترتیب دادند . ولی آنچه امروز در دست ماست یکربیع از اوستای زمان ساسانیان است^{۴۳} .

تفسیر اوستا «زند» نیز در زمان ساسانیان و بزبان پهلوی نوشته شده . بخشهای موجود اوستا عبارتند از :

۱ - یسناها که شامل قدیمترین بخش اوستا یعنی گاتها «گاتها» است . گاتها اثر طبع زردشت میباشد^{۴۴} و قهراً زمان تألیف آن بزمان زردشت بستگی دارد که طبق تحقیقات متأخرین و روایات سنتی زردشتیان گاتها از هزار تا پانصد قبل از میلاد است .

۴۳- تفصیل و تحقیق زمان نوش اوستا و بخشهای قدیم و جدید آنرا در کتابهای ایران در

زمان ساسانیان و مزدپرستی در ایران قدیم و مزدیستی و ادب پارسی به بینید.

۴۴- کلانر این مطلب را قطعی شمرده. رک بتاریخ ادبی ایران از براون ج ۱ ص ۱۴۶ .

بقیه یسناها نیز از سایر نسکهای اوستا قدیمی تر میباشد .
 قدمت و تازگی قسمتهای موجود اوستارا از جهاتی تشخیص میتوان داد .
 منجمله سبک عبارات و تعبیراتی که در هر زمان متداول بوده . دیگر قضایائی که طی
 مطالب کتاب بدانها تصریح یا اشاره شده است .

مثلاً در گاتها از آهن یاد نشده ولی در بخشهای دیگر اوستا با اسم آهن برخورد
 میکنیم . از اینجهت میتوان گفت گاتها در عهد قبل از آهن تدوین شده . نیز در
 هیچ جای اوستا از حکماتانه «همدان» که از قرن هفتم قبل از میلاد پایتخت ایران
 و مرکز روحانیت بوده نام برده نشده^{۴۵} . همچنین شواهدی که از بعضی عبارات
 بدست میآید . مانند اینکه معلوم است از قرن ششم قبل از میلاد پول در ایران شناخته
 نبوده و هنگامی که در بخشهای کهن اوستا سخن از دیه گناهی یا مزد طبیبی رفته
 آنرا با جناس خاصه چهارپایان تعیین کرده است^{۴۶} اما در بخشهای تازه از پول نام
 برده شده^{۴۷} و این خود دلیل روشنی بر تدوین این بخشها در زمان متأخر از قرن
 ششم قبل از میلاد است .

گاتها دارای پنج جزو و هفده فصل مرکب از ۸۹۶ مصرع میباشد^{۴۸} .

یشتها

یشتها از مهمترین قسمتهای موجود اوستا و چهارمین نسک از ۲۱ نسک
 اوستای ساسانی است . قسمتی از این نسک نیز از بین رفته ولی قسمت باقیمانده
 شامل ادعیه و پاره‌ای از اساطیر و داستانهای ملی و مذهبی است .
 یشتها منظومه‌هائی است بشعر ۸ و ۱۰ و ۱۲ هجائی ، ولی بعدها که تفسیر
 کلمات داخل متن شده از ترکیب شعری خارج گشته^{۴۹} . بهر حال سبک تدوین آنها

۴۵- مقدمه گاتها . مزدیسنا و ادب پارسی ص ۱۷۶ .

۴۶- مثلاً در فرگرد «فصل» هفتم و نندیداد .

۴۷- هر مزدنامه

۴۸- مقدمه گاتها ص ۶۴ . زردشت باستانی ص ۱۱۷

۴۹- مقدمه گاتها ص ۵۸ .

میرساند که اثر نظم یکتن و در یکزمان نبوده.

از مهمترین یشتهای آن یشت دهم بنام مهریشت منسوب به ایزدمهر است که قبلاً درباره مهرپرستی که بعدها آئین خاصی شد سخن گفتیم. یشتها ۲۱ فقره^{۵۰} و شامل سرودهایی درستایش فرشتگان و امشاسپندان و ایزدان (که هر یک از ماههای زردشتی بنام یکی از آنان مسمی گشته) می باشد^{۵۱}.

در یشتها از جهان دیگر و پایان رسیدن این جهان سخن رفته است.

یسناها

یسناها مرکب از ۷۲ باب است که هریاب را (هائیتی) یا (ها) نامند. کهربند مقدسی که کشتی نام دارد و ۷۲ لا نچ است کنایه از ۷۲ یسناست. این کهربند را هنگامی که جوانی بتکلیف رسد یا اجازه رسمی برای دخول در معبد یابد بکمر استوار میسازد.

یسناها شایل نیایش و ستایش و نماز و طاعت و وظائف اعیاد و غیره است^{۵۲}. یسنا رادو موبد که یکی روت و دیگری راسبی نامیده میشوند و در مراسم دینی باهم میخوانند. و در طی سرودن آنها آب زور و برسم و هوم و درون (نان مقدس) تهیه میشود^{۵۳}.

ویسپرد

ویسپرد مشتمل بر ۲۳ یا ۲۷ فصل است که هر فصل بنام (کرده) نامیده

۵۰- اسامی ۲۱ یشت را در مقدمه یشتها ص ۱۵ ببینید.

۵۱- مجموع روزهای هر یک از ماهها سی است که بنام سی امشاسپند و ایزد اختصاص دارد. و از

این نامها ۱۲ اسم نیز نام ماههاست (مقدمه یشتها ص ۱۷).

۵۲- تاریخ ادبی ایران از براون. یسنا تفسیر پورداود ج ۱ ص ۲۴. مزدیسنی و تأثیر آن در ادبیات.

زردشت باستانی و فلسفه او.

۵۳- یسنا تفسیر پورداود ص ۲۷ ج ۱.

میشود. این نسک مجموعه‌ای از ادعیه و اذکار و نظیر یسناهاست که در نماز باهم مورد استفاده واقع میشوند^{۵۴}.

وندیداد

وندیداد یا احکام ضد دیوها در آداب تطهیر و استغفار و کفاره گناهان و مسائل طهارت و غسل و نجاسات و غیره است که بمنزله کتاب فقه و احکام زردشتیان میباشد.

وندیداد مشتمل بر ۲۲ بابست که هر باب را (فرگرد) گویند. باب اول این نسک از نظر تعیین زمان و مکان اوستا بسیار اهمیت دارد. زیرا در این باب بمناسبت وصف خلقت و زمینهای خوب که اهورمزدا آفریده از نواخی مختلفی نام میبرد که لابد نزد پیروان اوستا معلوم بوده.

خرده اوستا

خرده اوستا (یعنی اوستای کوچک) شامل نماز و دعاها و کلمات منتخبه مذهبی است. و مطالبی راجع بعقد و نکاح و ماتم و سوگواری در آن تشریح گردیده^{۵۵}.
خرده اوستا برای استفاده عامه در عهد ساطنت شاپور دوم (۳۷۹ - ۳۱۰ م) از طرف موبد (آذرباد مهر اسپند) تدوین گردیده^{۵۶}.

اکنون که درباره اوستا توضیحاتی داده شد متناسب است قضاوت خاور - شناس معروف، ادوارد براون را که پس از بررسی اوستا مرقوم داشته در اینجا بیاوریم و سپس باجمال از دیگر کتب مذهبی زردشتیان سخن رانیم.
براون (که خود مسیحی مذهب است و همگان در بیطرفی و حریت فکری وی

۵۴- مقدمه گاتها ص ۵۷

۵۵- زردشت باستانی و فلسفه او ص ۱۱۳.

۵۶- تاریخ ادبی ایران از براون ص ۱۵۴. مقدمه گاتها ص ۵۸.

معتبر فند) مینویسد: هر چه بیشتر بمطالعه قرآن می‌پردازم و هر چه بیشتر برای درک روح قرآن کوشش میکنم بیشتر متوجه قدر و منزلت آن می‌شوم. اما بررسی اوستا ملالت‌آور و خستگی‌افزا و سیرکننده است.

دینکرت

دینکرت یا دینکرد (یعنی کارهای دینی) مهمترین و مفصلترین کتب آئین مزداپرستی است که اکنون در دست میباشد.

این کتاب در نه جلد بپهلوی نوشته شده ولی حالیه دو مجلد آن مفقود است. نام اصلی کتاب مزبور (زندآکاسیه) بوده که بعداً به دینکرد مشهور شده است.

این کتاب بتوسط موبد (آذر فرنبغ = اتور فرنبگ) پسر فرخزاد شروع و بدست دیگران^{۵۷} تمام شده.

موبد نامبرده همانست که با شخصی بنام گجستک ابالش در حضور مأمون که سر پرشوری در مجادلات مذهبی داشت، مباحثه کرد^{۵۸}.

دینکرد مجموعه بزرگی از آداب و عقاید و ادبیات و تواریخ مذهبی و ملی مزدیسناست^{۵۹} و خلاصه‌ای از ۲۱ نسل اوستای ساسانی در جلد هشتم آن آورده شده. و همین خلاصه‌است که حاکی از بین رفتن بعضی نسخه‌های اوستا یا مطالب موجود کتاب مزبور است.

۵۷- نام یکی اینان (آرتیت پسر هومت) است. وی همانست که صورت مباحثه او در کتابی بنام

(ماتیگان گجستک ابالش) بزبان پهلوی در دست است (رک مقدمه یشتهاج ۱ ص ط و جلد ۲ ص ط).

۵۸- برای توضیح بیشتری به کتاب حماسه‌سرانی ص ۵۴ و مقدمه بندهشن چاپ هندوستان بقلم

بهرام‌گور تهمورث، مراجعه کنید.

۵۹- حماسه‌سرانی ص ۵۲. تاریخ ادبی ایران از براون ص ۱۵۹.

بندهشن:

بندهشن (بمعنای بنیاد نهادن آفرینش) دومین کتاب مهم و معروف دینی زردشتیان بزبان پهلوی است که حاوی مطالبی راجع بخلقت و آداب دینی و تواریخ مذهبی و جغرافیائی کیش زردشت است که ظاهرآ در قرن ۱۱ تا ۱۲ م پایان یافته . کتب دیگری راجع بآداب دینی زردشتیان بپهلوی نیز در دست است که نوعاً پس از اسلام نوشته شده از قبیل داتستان دینیک «عقاید دینی موبد بزرگ پارس، منوچهر» و شگندگمانیک و یچار «گزارشی که گمان را درهم میشکنند» و دینامینو «اندیشه‌های روان خرد» شامل شصت و دو سؤال راجع بمسائل دینی^{۶۰} .

کتبی نیز مشتمل بر تواریخ و داستانهای ایران باستان موجود است که اغلب مطالب آن از نسکهای اوستا یا روایات مشهور قرن اوستائی و اساطیر مذهبی گرفته شده و طی آن اشاراتی راجع بآداب و رسوم زردشتیان شده است .

اصول عقاید زردشتیان:

زردشت در بیان خلقت چنین گوید: از آغاز آفرینش دو روان مافوق طبیعت که نماینده نیکی و بدی میباشند وجود داشته و تا روز رستاخیز نیز موجودند . این دو وجودیکی مصدر خیر است موسوم بمزدا^{۶۱} و دیگری باعث شر و بدیها و مسمی باهریمن^{۶۲} بوده و دائم با قوای یکدیگر در ستیزند (عمر دنیا بالغ بر دوازده هزار سال است. که در سه هزار سال نخستین عالم؛

۶۰- رک تاریخ ادبی براون ص ۱۶۱ .

۶۱- مزدا يك اسم آشوری است که آشورپها خدای خود را بدان میخواندند. در کتیبه‌های مربوط بدوره آشور بانیپال دیده شده (فلسفه شرق ص ۱۷۵) .

۶۲- اهریمن از لفظ انگره مینو صورت یافته که بمعنی خبثت یا فرد خبیث است. بعضی ویرا در مقابل سپتامینو (یعنی خرد مقدس) که از ایزدانست قراردادده اند. سپتامینو از سپنت بمعنی پاک و مقدس و مینو بمعنی عقل و بهشت یا اندیشه و گوهر ترکیب یافته. اهریمن مرکب از (آ) که کلمه نفی و (هری) که بمعنی روشنائی و (من) که بمعنای درون و ضمیر است، میباشد .

اورمزد و اهریمن در جوار یکدیگر آرام میزیسته‌اند. این دو عالم از سه جانب نامتناهی بوده و فقط از جانب چهارم بیکدیگر محدود می‌شده‌اند. دنیای روشن در بالا و عالم ظلمانی در زیر قرار داشته و هوا فاصله آنها بوده است.

مخاوقات اورمزد در این سه هزار سال در حال امکانی بودند. سپس اهریمن نور را دیده در صدد نابود کردنش برآمد. اورمزد که از آینده آگاهی داشت مصافی به مدت نه هزار سال با وی طرح افکند. اهریمن که فقط از ماضی آگاه بود رضا داد. آنگاه اورمزد به او پیشگوئی کرده که این جدال با شکست عالم ظلمت خاتمه خواهد یافت. از استماع این خبر اهریمن سخت متوحش شد و مجدداً به عالم تاریکی افتاد و سه هزار سال در آنجا بی حرکت بماند. اورمزد در این فرصت دست بافرینش جهان زد و چون کار خلقت پایان رسید، گاو را بیافرید که موسوم به گاو نخستین است. پس آنگاه انسانی بزرگ خلق کرد به نام کیومرد (کیومرث) که نمونه نوع بشر بود. آنگاه اهریمن با فریدگان او حمله برد و عناصر را بیالود و حشرات و هوام ضاره را بیافرید. اورمزد در پیش آسمان خندقی کند. اهریمن مکرر حمله کرد و عاقبت گاو و گیومرد را بکشت. اما از تخمه گیومرد که در دل خاک نهفته بود چهل سال بعد گیاهی رست که اولین زوج آدمی با سم مشیگ و مشیانگ از او بیرون آمد. دوره آمیزش نور و ظلمت شروع شد. انسان در این جنگ خیر و شر بنسبت اعمال نیک یا بد خود از باران نور یا از اعوان ظلمت شمرده میشود^{۶۳}.

پروفسور آسموسن میگوید: زردشت هرگز از ثنویت مطلق که در آن دو روح یا دو خدا یکی خوب و یکی بد با استقلال و جدا از هم تا ابدیت وجود داشته باشد حرفی بمیان نیاورده بلکه اهورمزدا را خالق همه چیز شمرده است. اما در زمان ساسانیان اعتقاد صریح به ثنویت و وجود دو روح مستقل از هم جزء اصول عقاید زردشتی که مذهب رسمی کشور بود، شد. باهورمزدا جایی که سپنت مئینو در گاتها دارد داده شده. و اکنون اهورمزداست که بطور مستقیم به نبرد با اهریمن

میپردازد) ۶۴ .

از این سخن چنین مفهوم میشود که مبنای دیانت زردشتی در دوران ساسانیان و از آن پس بر دوگانه پرستی و ثنویت بوده است . ولی پس از درخشش تعلیمات اسلام و پیشرفت علوم و تنویر افکار که گروهی از دیده تحقیق در پیرامون ادیان بررسی نموده و مزایای توحید بر همگان هویدا گشت ، جمعی از گروندگان بکیش های ثنوی یا قائلین به اقا نیم ثلاثه در صدد بر آمدند که از شایعه ثنویت یا ثنویت خود را خارج سازند . لذا بتوجه گفته ها پرداختند و روی این توجیها ت برخی دین زردشتی فعلی را دین توحید نامیده و اهریمن را در رتبه بعد از اهور مزدا و در عداد مخلوقات وی شمرده اند ۶۵ .

بر مبنای این توجیه وجود اهریمن همانند وجود شیطان خواهد بود که از نظر دین اسلام و یهود که بر اصل توحید استوار است نیز تثبیت شده است .

بسیار خرسندیم که پیروان زردشت چنین عقیده ای داشته باشند . زیرا پیغمبران هم برای ترویج یکتا پرستی آمده اند و پیروی آنان بهر صورت و بهر اسم باشد خوبست . ولی باز هم با توحید اسلام که در اوج کمال میباشد تفاوت از زمین تا آسمان است . چه فرشته و شیطان در دین اسلام بهیچوجه نقش آفرینش ندارند . و آفریدگار جهان و جهانیان ، تنها ذات یکتای پروردگار است و بس .

بعلاوه که در اسلام فرشتگان بهیچوجه تقدیس و پرستش نمیشوند و بعبارة آخری شعار اسلام ، توحید در عبادت است همچنانکه مبنای این دین بر توحید در خلقت و آفرینش میباشد .

موضوع تقدیس آتش که نوعی از شرک در عبادت است نیز در دین زردشتی قابل ملاحظه میباشد ۶۶ .

۶۴- کتاب دیانت زردشتی ضمن ترجمه مقاله آسموسن ص ۱۰۵ .

۶۵- به نوشته های پورداود در ترجمه گاتها ج ۱ چاپ بمبئی رجوع فرمائید . قسمتی از بیانات وی

در مزدیسنا و ادب پارسی ص ۲۵۸ بازگوشده است .

۶۶- در فصل آتش نیایش خرده اوستا چنین میسراید : نماز بر تو ای آتش نور اورمزد داددهنده

که لایق به نیایش ستایش هستی... (خرده اوستا چاپ بمبئی ص ۲۴۳) .

گرچه بعضی خواسته‌اند تقدیس آتش در کیش زردشتی را مانند قبله قرار دادن کعبه در اسلام معرفی کنند. ولی پیداست که مسلمین هنگام نماز و عبادت تنها بخدا توجه میکنند^{۶۷} و وی را ستایش و نیایش مینمایند نه کعبه را چنانکه اگر کعبه هم نباشد باز ستایش بخدا منتهی بسمت کعبه انجام میشود آنهم باین سبب است که مسلمین در عبادت دسته‌جمعی نماز دارای وحدت جهت باشند. چنانکه کنگره بزرگ اسلامی حج نیز در اطراف همین معبد برپا میگردد و شاید سر این توجه هم خصوصیت بنیان کعبه باشد که یادآور شگفت‌ترین ماجرای یکتا پرستی و بزرگترین قهرمان توحید (حضرت ابراهیم) و مهمترین صحبته آموزش یگانه پرستی اوست.

آری ممکن است گفت این شرك گونه‌ای که در دین زردشتی پس از ساسانیان ملاحظه میشود مستند به زردشت نیست و حتی دین زردشت قبل از دوره ساسانی از شائبه شرك مبری بوده است. زیرا اولاً اسلام قوم مجوس را اهل کتاب و در شمار ذمیان آورده است لذا باید گفت که پیشوای این دین همانند پیغمبران اهل کتاب، قائل بتوحید بوده است که بعدها پیروان وی به ثنویت گرائیده‌اند.

در سفینه البحار (ذیل کلمه مجوس) از حضرت صادق نقل میکند که پیغمبر در پاسخ مشرکین که ویرا بر گرفتن جزیه از مجوس هجر سرزنش کرده بودند مرقوم داشت: ان المجوس کان لهم نبی فقتلوه و کتاب فاحرقوه^{۶۸}.

ثانیاً چنانکه از پروفیسور آسموسن نقل کردیم زردشت هرگز از ثنویت مطلقه که در آن دوروح یا دوخدا یکی خوب و یکی بد بالاستقلال و جدا از هم تا ابدیت وجود داشته باشد حرفی بمیان نیاورده بلکه اهورمزدا را خالق همه چیز

۶۷- در آغاز نماز مستحب است بگویند: وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفاً مسلماً وما انا بمشرکین. ان صلواتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین. ملاحظه فرمائید مطابق مضمون این نیایش توجه بخدائی میشود که تمام آسمانها و تمام زمین آفریده اوست (چنانکه از لفظ الف و لام جنس استفاده میشود) و تکرار شده که نمازگذار مشرک نیست (مانا بمشرکین) و در آخر تصریح میشود که نماز و هرگونه عبادتی مخصوص پروردگار عالمیان است.

۶۸- ترجمه: همانا مجوس را پیغمبری بود که ویرا کشتند و کتابی داشتند که سوزاندند.

شمرده) .

کریستن سن می گوید: در دین زردشت یکتاپرستی ناقص است . در این دین ایزدان بسیار وجود دارند. ولی میتوان گفت که همه آنها تجلیات ذات مزده و در عین حال مجریان اراده اویند که یگانه خواست خدائی است. ثنویت و دوگانگی این دین يك امر ظاهری بیش نیست چه نبرد دو گوهر نیک و بد (دواصل جهانی) به پیروزی گوهر نیک پایان خواهد یافت^{۶۹} .

پروفسور گیرشمن مینویسد: مقتضیات و شرایطی که قوم خانه بدوش ایران شرقی در آن زندگی میکردند و دائماً در معرض حمله بدویان مهاجم و مخرب بودند در زردشت این اندیشه را ایجاد کرد که جهان را دواصل اداره میکند: نیک و بد . نخستین، شخصیتی است ناشی از اهورامزدا و دوم از اهریمن... نزاع بین این دو روح... در پایان، بفتح روح اهورامزدا خاتمه می یابد. بنابراین دوگانگی ظاهری است و آئین زردشتی توحیدی ناقص است^{۷۰} .

شهرستانی مینویسد: دین او (زردشت) مشتمل بود بر عبادت حضرت ربوبیت و تکفیر شیطان و امر بمعروف و نهی از منکر و اجتناب از خبائث. و میگفت نور و ظلمت دواصل متضادند و همچنین یزدان و اهرمن و این دو مبدء موجودات عالمند و ترکیبات از امتزاج این نور و ظلمت حادث شده و حضرت کبریا، الهی خالق نور و ظلمت است و مبدع آن هر دو واحد است که آنرا شریک نیست و از ضدوند منزله است و مبرا...^{۷۱} .

بهر حال باید دانست که زردشت مآل عالم هستی را بتوحید برمیگرداند. زیرا عاقبت اهورامزدا بر اهریمن چیره شده قوای ظلمت در نیستی محو خواهد شد . علاوه که زردشتیان عبادت را خاص اهورامزدا دانسته و بعبارة آخری قائل بتوحید

۶۹- ایران در زمان ساسانیان ص ۵۰ .

۷۰- ایران از آغاز تا اسلام ص ۱۵۴ .

۷۱- ترجمه ملل و نحل شهرستانی از افضل الدین ترکه ص ۲۵۳ .

عبادی‌اند^{۷۲}.

در دین زردشت نمونه دیگری از شرک موجود است که آن نیز قابل توجیه می‌باشد و آن ازلی دانستن شش‌روان کروی دیگر بنام امشاسپندان (یعنی موجودات مقدس بی‌زوال) است^{۷۳}.

امشاسپندان بدین‌قرارند :

- ۱- هومنه (بهمن) یعنی منشِ پاك (عقل سلیم) .
 - ۲- اشتادمیشتا (اردیبهشت) بالاترین بی‌آلایش که مراد فرشته راستی و درستی است .
 - ۳- خستر ائریه (شهریور) سلطنت دلخواه
 - ۴- سپتا ارمیستی (اسپندارمذ) فروتنی که مراد فرشته عبادت‌است. وی دختر مزده و کنایه از زمین بارور است .
 - ۵- هئوروات (خرداد) کمال عاقبت که مراد فرشته موکل بر آب است .
 - ۶- امرتات (مرداد) زندگی جاودانی .
- زرتشتیان علاوه بر این شش‌روان ازلی به دو فرشته دیگر قائلند که یکی (گوشوروان) نگاهبان حیوانات و دومی (سروش) فرشته اطاعت و هاتف ضمیر می‌باشد^{۷۴} در مقابل اهورمزدا وصف یاران وی اهرمن نیز بیارانی کمک و یاری می‌شود^{۷۵}. بعقیده زردشتیان آدمی فاعل و مختار و در انجام نیک و بد آزاد است و چنانکه به راستی و درستی رفتار کند در زمره نیکان و صف آفریننده خود (مردا)

۷۲- با این توجیه که یزدان و آتش که ستایش می‌شوند بعنوان تجلی مزده و قبله معبود تقدیس

میگردند .

۷۳- چنانکه اشاعره صفات باری تعالی را غیرذات وی و در عین حال قدیم میدانند .

۷۴- فرشته اخیر سوژه مشهوری در ادبیات فارسی شده و کمتر شاعری است که خود را ملهم به سروش عالم‌غیب نداند .

۷۵ و ۷۶- (اکمنه) مظهر زندگی پست و شرارت . (اندرا) روان فریبکاری و مظهر عدم نظم .

(ناآدمک، شی‌نبا) مظهر بهتان و سرکشی .

(ثوسیس رو) و (زنی‌ربش) دو مظهر اسراف و باعث گرسنگی و تشنگی .

قرار میگیرد و اگر به زشتی و گناه خود را آلود از این راه خارج شده و بصف یاران اهریمن وارد میشود. و آنگاه که از این جهان رخت بست روانی که جاویدان است به پاداش نیت و کردار خود خواهد رسید و در نتیجه گناه دچار عذاب روحی خواهد بود.^{۷۶} زیرا اعمال وی بتوسط فرشته عدالت که به گوشه روان موسوم است بدقت نوشته و ثبت شده و پس از بررسی کامل در عذاب جاوید، یا در نعیم ابد خواهد زیست.

گناهان و پاداش

در کیش زردشت گناهان بتعداد زیادی ملاحظه میشود که قسمتی از آنها را ذیلاً نام می‌بریم. بی‌عفتی، خستت، خودخواهی، طمع، رباخواری، حق‌نشناسی، خودبینی، دروغ، کلاهبرداری، جادوگری، اعتقاد بخرافات، پیمان‌شکنی، سوگند دروغ، بی‌عدالتی، سرقت، بدخواهی، کینه‌توزی، خشم، افترا، سخن‌چینی، بت‌پرستی، ریاضت‌کشی و تکدی، ولخرجی زیاد، تعدد زوجات، زنا، لواط، اتحار، قتل، گریه برای مرده.

روان آدمی پس از مرگ باید از پل صراط (چینوات پهل) بگذرد و در اینجا است که اگر کردار وی در دنیا ناشایسته و باوث‌پلیدی آلوده شد، بدوزخ سرنگون گشته و با شیطان قرین می‌گردد و اگر نیکی و بدی او همسنگ باشد در عالم (هستگان)^{۷۷} برزخ تاروز رستاخیز باقی مانده آنگاه در دیوان عدل الهی (که آنرا اکانمند) به حساب اورسیدگی شده و درباره وی رای نهائی صادر میگردد. ولی هیچگونه شفاعت و عفو و بخشش در کار نیست و بهیچوجه کارهای نیک بازماندگان در حال وی تغییری نخواهد داد.

قیامت

برای آخرین مرحله کشمکش سپاه نیکی و بدی بنفع اهورمزدا پایان می‌یابد. اهریمن برای همیشه مغلوب و در زنجیر عذاب کشیده شده و اهورمزدا با سلطنت بی‌معارض و همیشگی برقرار خواهد شد. نیکان در بهشت جاوید بنعم روحانی و

جسمانی پاداش می‌یابند و نزداهور مزدا و یارانش به فرخندگی بسر خواهند برد و در آنجا فرشته پاداش (وهومنه=بهمن) بخشش‌هایی به آنها خواهند نمود. در کیش زردشتی هیچگونه شفاعتی در کار نیست، هر کس جزای عمل خود را خواهد دید (ان خیراً فحیر و ان شرراً فشر) نیکان پاداش نیکی و بدان بسزای بدی. نیز تقیه در این کیش روانیست. بلکه هر کس بظاهر از کیش خود تبری کند واقعاً هم از دین خارج شده. اگر چه پای جان در میان و از ترس مرگ باشد.

مراسم مردگان

چون در آئین زردشت آلوده ساختن آب و آتش و خاک از گناهان بزرگ شمرده شده، زردشتیان اجساد مردگان خود را نه مانند مسلمانان خاک می‌سپارند و نه چون هندیان سوختن در آتش را روا میدارند. از اینرو مردگان خود را در تابوتهای سنگی یا در سر کوهها و ارتفاعات در هوای آزاد میگذارند تا در نتیجه طعمه پرندهگان گردیده و نابود شود.

آداب قربانی

هر کسی بخواهد قربانی کند بر سر گذاشته با شاخه‌های مورد آنرا زینت میدهد و حیوان را بجای پاکی برده در آنجا به دعا می‌پردازد. دعا کردن برای خود روانیست بلکه باید برای تمام پارسها و شاه دعا کند بعد حیوان را قطعه قطعه کرده گوشت آنرا پخته روی گیاه نرم یا غالباً شبدری که قبلاً آماده ساخته میگذارند. پس از آن مفی فقرات سروده‌های مقدس را میخواند آنگاه قربانی کننده گوشت را بخانه برده بمصرف میرساند^{۷۸}.

آداب سدره

سدره پیراهنی است سفید و ساده و گشاد و بی‌یقه که آستینهای کوتاهی

دارد و از نه پارچه تشکیل میشود. چاکی تا به انتهای سینه دارد که در آخر آن چاک کیسه کوچکی موسوم به (کرفه) وصل است و این کیسه علامت اندیشه و گفتار و کردار نیک است. معمولاً این جامه در زیر لباس پوشیده میشود و بمنزله زهری است که آدمی را از سهام تسویلات اهریمن حفظ میسازد.

چهار گره مزبور در دوم و سوم زده میشود. در گره اول شهادت به هستی اهورمزدا و در دومی شهادت بحقانیت آئین مزدیسنا و گره سوم که در پشت سر زده میشود علامت واگذاری آئین زردشتی برای بازماندگان است. ظاهراً این رسم قبل از زردشت نیز در داستان دینیک آمده که رسم مزبور یادگار جمشید است (یکتاپرستی ص ۳۴۴).

مرحله تکلیف

در کیش زردشتی پسران و دختران در هفت سالگی به تکلیف می‌رسند^{۸۰} و طی تشریفات خاصی وارد مرحله انجام وظائف دینی می‌گردند. اجمال این تشریفات بدینقرار است: که چون کودک وارد سن مزبور گردید باید سدره پوشیده کشتی ببندد سدره عبارت از جامه سفیدی است که علامت بی‌آلایشی و لباس بندگی است و کشتی رشته‌ای از پشم گوسفند است که شامل ۷۲ رشته (بعدد ۷۲ فقره از یسنا و ویسپرد کتاب مقدس است) با سه دور (بعلامت اندیشه و گفتار و کردار نیک) که چهار گره^{۸۱} بر آن زده‌اند به کمر استوار میکند و در این وقت و نیز وقت باز کردن ذکر خاصی را بزبان می‌آورند. کودک در وقت تکلیف باید نمازها و قسمت‌های مربوط اوستارا یاد گرفته باشد. کشتی هر صبح باید تجدید شود^{۸۲}

۷۹- زور آبی است مقدس که هنگام مراسم مذهبی استعمال میشود.

۸۰- فقره ۱۴ تیریش (ص ۳۴۷ ج ۱ یشتها) سن ۱۵ سالگی را هنگام بستن کشتی شمرده در

پاورقی آقای پورداود تصریح می‌کند که طبق سیره فعلی در سن ۷ سالگی کشتی می‌بندند.

۸۱- چهار گره علامت چهار عنصر (آب و خاک و باد و آتش) که اصل عالم هستی است می‌باشد

(آئینه آئین مزدائی ص ۱۴ طبع اول).

۸۲- در چهار مورد دیگر کشتی باید تجدید شود ۱- پس از بول و غناظ ۲- پیش از نماز گذاردن

کشتی معمولاً روی سدره بسته میشود .

نماز

زردشتیان در شبانه روز پنج نوبت نماز می خوانند. نماز باید ایستاده و سپس چهارزانو در حال نشستن انجام یابد. اوقات نماز بدینقرار است : ۱- از سپیدی صبح تا ظهر^{۸۳} ۲- از ظهر تا سه ساعت از ظهر گذشته ۳- از سه بهره از ظهر گذشته تا قبل از تیرگی شامگاه ۴- از تاریکی غروب تا نیمه شب ۵- از نیمه شب تا سپیدی صبح (یا طلوع شمس) در نماز قباة خاصی شرط نیست و همه جا بسوی خداست منتهی باید در هنگام پرستش خدا روی بسوی خورشید یا ماه یا روشنی دیگر نمایند^{۸۴} و از این توجه به روشنی دل تفال زنند. در نماز (پادیاب) طهارت شرط است، و آن بدینگونه است که دستها را از سرانگشت تا آرنج و پاها را از سر پنجه تا زانو^{۸۵} و رورا از بناگوش تا زنج باید شست .

روزه

زردشتیان پنج روز اول فروردین را روزه گرفته و آنرا روزه رپتون یعنی گرمی (بنام فرشته گرما) مینامند . نیز در هر ماه چهارروز (که بنام فرشتگان نگهبان جانوران مسمی است)^{۸۶} باید از خوردن گوشت حیوانات خودداری کرد .

۲- هنگام شستشو ۴- پیش از خوراك (برای تفصیل خصوصیات تجدید کشتی به کتاب یکتاپرستی ص ۲۴۶ مراجعه نمایید) .

۸۳- در آئینه آئین مزدیسنی (کتاب یکتاپرستی ص ۴۴۸) از وقت برآمدن خورشید تا ظهر تعیین شده است .

۸۴- در کیش مانی هر روز چهار مرتبه نماز خوانده میشود. نماز پس از طهارت انجام میشود و در حال نماز رو بطرف آفتاب یا ماه و یا شمال باید کرد .

۸۵- تا نوزك (یکتاپرستی)

۸۶- نام این روزها (وهمن . ماه . گوش . رام) است (باورقی ص ۱۱۴ آئینه آئین مزدیسنی)

هنگام بیماریهای واگیرنده شبانه روز از خوردن گوشت و آمیزش بایکدیگر خوردداری می کنند و نام این عمل را نشووه (مخفف نه شبه) مینهند .

مطهرات

آب یکی از مطهرات است و چنانکه یاد کردیم در هنگام نماز باید با آن وضو (پادیاب) ساخته سپس وارد نماز شد ولی دست و یا جامه نجس را نباید در آب داخل کرد. آب هنگامی پاک کننده است که رنگ و بوی و طعم آن تغییر نهموده باشد ظرف غذای هر کس باید از دیگران جدا باشد و اصولاً باید بقدا دست نیاورد^{۸۷} نیمخواره حیوانات را نیز حرام میدانند ادا ظرف آنرا باید پاک شست. زنان در مدت ناپاکی (حیض) همانند کیش هندوئی باید از همه کس و همه چیز پرهیز کنند. و از هنگام دیدن خون تا روز هفتم سه بار خود را شستشو نمایند. مردان نیز پس از جنابت باید خود را با صابون و مانند آن پاک شستشو کرده سپس غسل نموده جامه پاک برتن کنند^{۸۸} در کایه موارد نظافت ابتدا باید در خارج پاییدی را پاک ساخته آنگاه داخل آب شد^{۸۹} زیرا آب مقدس بوده و آوده ساختن آن روا نیست .

محرمات

در مورد محرمات آنچه زیان آور است ناروا (حرام) دانسته شد ولی چیز خاصی از خوردنیها و آشامیدنیها بکیش آنان حرام نیست .

ازدواج

در آئین زردشتی اولین مرحله سن ازدواج در پسر ۱۵ و در دختر ۱۴ سالگی

۸۷- آئینه آئین مزدیسنی ص ۸۲ چاپ سوم .

۸۸- و در این هنگام باید کشتی (کمر بند مخصوص) را از او بپندند .

۸۹- بلکه بعضی دخول در آب خزینه را روا ندانسته و شستشو را منحصر آ با دوش و مانند آن

بشمار رفته^{۹۰}. تعدد همسر در این کیش روانیست (فروغ مزدیسنی ص ۱۰۳). طلاق هم فقط در موارد خاصی (از قبیل بدکاری زن و نازائی وی و عنین بودن مرد) تجویز شده. طبق نوشته کتاب فروغ مزدیسنی (ص ۱۰۵) و آئینه آئین مزدیسنی ص ۸۶ نکاح با مادر و خواهر و دختر و خواهرزاده و و برادرزاده و عمه حرام شمرده شده^{۹۱} نیز در مورد خویشاوندان رضاعی (همشیری) نکاح با دایه و اولاد ویرا جایز نمی‌شمارند^{۹۲} ولی این سخن ادعائی است که توسط نویسندگان زردشتی عصر ما اظهار میشود و شاید هم این اصلاح از طرف موبدان پس از ورود اسلام به ایران انجام شده باشد زیرا منقولات با این مدعی سازگار نیست و چنانکه میدانیم داستان ازدواج بهمن با دخترش هما و ایزو با خواهرش رامین مستند بر رویه و سنت معمول در میان زردشتیان بطور ارسال مسلم در شاهنامه فردوسی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ذکر گردیده^{۹۳}. بعلاوه که این موضوع در فقه اسلامی از دیر زمان مطرح بوده و معمولاً فقها و محدثین بابی در کتاب ارث به میراث مجوس که در اثر خویشاوندی با محارم وجود پیدا میکند اختصاص داده‌اند^{۹۴}

۹۰- زردشت باستانی (بنقل آقای شفیع کدکنی در رساله زردشت و دین او) فروغ مزدیسنی ص ۹۳ و ص ۱۰۳. ولی در آئینه آئین مزدیسنی ص ۸۸ سن بلوغ را در پسر ۸۱ و در دختر ۱۵ گفته و در پاورقی از نامه خرده اویزه بلوغ را در پسر ۱۵ و در دختر ۱۲ نقل کرده. مثنوی چنانکه یاد کردیم پسر و دختر در سن ۷ سالگی باید سدره پوشیده کشتی بندند و بعضی در سن ۱۰ سالگی گفته‌اند. به پاورقی‌های همین کتاب مراجعه فرمائید.

۹۱- در کتاب زردشت باستانی نکاح دختر عمه و دختر خاله نیز حرام شمرده شده.

۹۲- فروغ مزدیسنی ص ۱۰۴. آئینه آئین مزدیسنی ص ۷۶. یکتا پرستی ص ۲۷۸.

۹۳- کیخسرو شاهرخ در فروغ مزدیسنی ص ۱۰۵ نوشته فردوسی را اشتباه خوانده و گوید بر فرض صحت داستان، کرده بهمن دلیل روا بودن اینکار در کیش زردشت نیست ولی میدانیم که فردوسی شاهنامه را از مدارک پهلوی گرفته و داعی بر جعل این داستان نداشته است. ضمناً گزارش داستان حاکی از هم‌آهنگی موبدان زردشتی با کار بهمن و امضای اینگونه ازدواج است.

۹۴- رک بشرایع و مختصر نافع و شرح لمعه و ریاض المسائل و جواهر (در اواخر کتاب میراث) و

نیز به وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۵۹۶ چاپ حرفی تهران.

در ریاض المسائل ضمن بیان میراث مجوس فرماید: قداختاف الاصحاب فيه، فالمحكى عن يونس بن عبد الرحمن وهو من اجلاء قدماء الاصحاب و رواهم من رجال الكاظم والرضا (ع) انه لا يورثهم الا بالصحيح من النسب والسبب دون فاسدهما وتبعه المفيد والتقى والحلبى والفاضل (اى العلامة) فى المختلف ونسبه المفيد فى كتاب (الاعلام) الى جمهور الامامية واختاره المرتضى فى الموصيات... وعن الفضل بن شاذان النيسابورى وهو ايضاً احد اصحابنا الفضلاء... من رجال الهادى والعسكرى انه يورثهم بالنسب الصحيح وفاسده وبالسبب الصحيح خاصة وتابعه ابن بابويه والعمانى... وقال الشيخ فى جملة من كتبه وابن حمزه والديلمى و المرتضى والاسكافى كما حكاه الفاضل المقداد والصيمرى انهم يورثون بالصحيح والفاسد فيهما (اى فى النسب والسبب)...

آنگاه روایتی را که سکونی از حضرت علی (ع) نقل کرده شاهد این قول می‌آورد. این روایت را شیخ حر عاملی در وسائل مسنداً از حضرت صادق از پدرش چنین نقل مینماید: که مجوسی چنانچه بامادر یا دختر^{۹۵} خویش ازدواج کند از دو جهت ارث میبرد یکی از آنرو که متوفی مادر اوست و دیگری از آنجهت که همسر ویست. نیز روایتی را که باز در وسائل آمده دلیل این قول ذکر میکند روایت مزبور که دوبار^{۹۶} در وسائل آمده چنین است: مردی در محضر حضرت صادق مجوسی را دشنام داد. حضرت ویرا منع فرمود صحابی عرض کرد وی با مادر خویش ازدواج نموده حضرت فرمود مگر نمیدانی که اینکار نزد آنان ازدواج صحیح است؟ در وسائل حدیث دیگری از علی بن ابیطالب نقل میکند که چنانچه مجوسی بدین اسلام درآید فقط بواسطه نسب ارث میبرد.

۹۵- در ریاض خواهر نیز ذکر شده.

۹۶- یکی در باب میراث مجوس و دیگری در باب حرمت ناسزا بمجوس بواسطه ازدواج بامادر و

خواهر خود.

باری مراسم عقد در حضور موبد و عده‌ای از شهود انجام می‌یابد (یکتاپرستی ص ۳۷۷) بدین ترتیب که یکی از موبدان آهورمزدا و امشاسپندان و حاضران را بر ازدواج گواه گرفته سپس نصایحی بدان‌دو توصیه می‌نمایند. آنگاه زن و شوی دست همدیگر را گرفته گرد آتش مقدس می‌گردند^{۹۷}.



۹۷- این نوع زناشویی که دختر و پسر همسر یکدیگر میشوند پادشاه‌زنی نامیده میشود چهار گونه دیگر ازدواج (به‌اعتبار حالات زن‌وشوی) درگیش زردشت آمده. برای مزید اطلاع به‌کتاب یکتاپرستی ص ۳۷۶ مراجعه فرمائید .